



۲۰۱۹/۰۴/۲۷



حمید انوری

نگاهی بر سیه روز های هفتم و هشتم ثور



یک فیلم سینمایی در مورد جنگ شوروی سابق در افغانستان، مورد تنقید مقامات رو سیه قرار گرفت



آرشیف/ پوستر فلم "ترک افغانستان" که توسط کارگردان مشهور روسی پاول لونگین تهیه شده است
چهل و یک سال قبل در چنین روزی یک مشت افراد فروخته شده و شرف باخت، با کمک و حمایت و رهنمائی
مستقیم کریمیلن نشینان بی وجدان، در کشور آزاده ما دست به یک کودتای خونین و ننگین زدند که افغانستان
عزیز ما را غرق در خون و خاکستر ساخت. از آن روزگار تا ایندم کشور زیبای ما هرگز روی آرامش و
صلح و دوستی و خوشی و شادی و امنیت و آزادی و عدالت و برادری و باهمی را ندید که ندید. از آن لحظات
شوم تا این دم، گل لبخند هرگز بر لب هیچ افغان ای نشگفت. از آن دم خونین و ننگین، تا این دم هشت رخ و نه
گرد، نان خشک مردم مظلوم افغانستان با خون شان تر است و یک لقمه راحت از هیچ گلو ای پائین نرفته
است.

کودتاچیان منفور و مطرود هفتم ثوری بعد از غضب قدرت، چنان خود را بر اسب مراد یکه تاز میدان دیدند
که تو گوئی "هرگز نبود از پی امروز، فردائی".

خطا و خیانت و جرم و جنایت، جاسوسی و خود فروشی و میهن فروشی، گرفتن و بر بستن و زنجیر و زولانه و زندان، شکنجه و قتل و کشتار، چور و غارت و تعدی و تهدید و تخویف و هزار و یک پستی و پلشتی و دنائت دیگر، مصروفیت روزمره آن بی خردان خودفروخته را تشکیل می داد.

یک کودتای شوم و بی خردانه، کشوری را به میدان تاخت و تاز بیشتر از نصف جهان مبدل ساخت، خونهای پاک بیش از یک و نیم میلیون هموطن ما بر زمین ریخت و بیشتر از پنج میلیون هموطنان ما مجبور به ترک خانه و کاشانه و میهن و مردم خود گردیده و محتاج از خود و بیگانه گردیدند.

اگر این سرگذشت غمبار را ادامه دهیم، از مثنوی هفتاد من کاغذ هم فراتر می رود. خونهای پاک که در کودتای نامیوم ثور به وسیله جنایتکاران خلقی و پرچمی بر زمین ریخته شد، سرآغاز تمام بدبختی های مردم مظلوم افغانستان بود که آنرا پایانی هنوز متصور نیست.

آغازگران این تراژیدی اسفناک و دلخراش باید بدانند که تا یک نفر افغان است، لعنت و نفرین بلاوقفه شان بر آن کودتاچیان بی آرم هرگز متوقف نمی گردد و دیر یا زود به انواع مختلف دامان خونین آنان را خواهد گرفت، و اما در این مختصر اشاره ای میکنیم بر عکس العمل چند جنایتکار حرفوی و فراری روسی در قبال یک فلم تازه که توسط یک دایرکتر روسی تهیه شده و قرار است به زودی در روسیه به نمایش گذاشته شود. "یک فلم سینمایی در مورد جنگ شوروی سابق در افغانستان که قرار است تا سه هفته دیگر به نمایش گذاشته شود، تحت تنقید شدید سابقه داران جنگ روسیه مخصوصاً قوماندان سابق قوای شوروی در افغانستان قرار گرفته است.

قوماندان قوای شوروی سابق در افغانستان جنرال بوریس گراموف و عضو مجلس سنای پارلمان روسیه ایگور مورازوف فلمی نوی را که در مورد جنگ شوروی در افغانستان ساخته شده و قرار است به زودی به نمایش گذاشته شود تحت تنقید قرار داده و آن را توهین به سربازان شوروی خوانده اند.

این فلم بنام "ترک افغانستان" توسط کارگردان مشهور روسی پاول لونگین تهیه شده است.

این جنرال فراری روس (بوریس گراموف) باید زمانی به "توهین"، می اندیشید که هنگام فرار از کشور آزاده ما، جرئت به عقب نگاه کردن را نداشت و در یک جنگ تحمیلی و نابرابر، با تمام لا و لشکر و توپ و تانک و تفنگ و طیارات بمب افکن و انواع سلاح های مخرب دیگر و با تمام قدرت مالی و نظامی؛ به یک شکست فضیحت بار مواجه شده بود و شرمسارانه فرار میکرد!

بلی! این توهین بزرگی به اردوی سرخ و شکست ناپذیر اتحاد جماهیر شوروی بود که شکست را پذیرفتند و خود را از باتلاق افغانستان بیرون کشیدند، اما اعتراف به شکست، یک شهامت می خواهد که این جنرال شکست خورده فاقد آن است، ولی در همان روسیه، هستند کسانی که از چنین شهامتی برخوردار اند و یکی از آنها همین کارگردان روسی (پاول لونگین) است. باید این فیلم را با دقت تماشا کرد تا بشود در مورد قضاوت عادلانه نمود.

این فلم در محتوا با فلم های اخیر دیگر روسی که در آن ها وطن پرستی نمایش داده می شود فرق دارد.

اگر این قوماندان یا جنرال روسی کمی هم شهامت می داشت، که ندارد، چرا در مورد آن فلم های مبتذل متذکره هیچگاه اعتراض نکرد؟! بیائید کمی حقیقت بین بوده و لااقل با خویشتن خود صادق باشیم.

فلم "ترک افغانستان"، قرار است در ۹ ماه می یعنی سالگرد پیروزی علیه آلمان نازی که در روسیه رخصتی عمومی می‌باشد به نمایش گذاشته شود، اما با بلند شدن این تنقیدها، در باره روز نمایش این فلم سوال‌ها ایجاد شده‌است.

این فلم را نگذاشتند تا در نهم ماه می (سالگرد پیروزی علیه آلمان نازی) به نمایش گذاشته شود، اما بیائید ببینیم در افغانستان عزیز ما که روس‌های متجاوز آنرا به یک ویرانه غم بار مبدل کردند و بیش از یک و نیم میلیون از هموطنان بی گناه و بی دفاع و مظلوم ما را از دم تیغ عداوت و شقاوت شان کشیدند؛ کدام روز را همه ساله تجلیل می کنند.

در افغانستان در بند کشیده شده ما همه ساله روز هشتم ثور را تجلیل می کنند، روزیکه کودتاجیان هفتم ثوری با توطئه گران هشتم ثوری، در یک توطئه و تبنانی از قبل طرح ریزی شده؛ یگانه شهر آباد مانده افغانستان را، کابل زیبا را به تلی از خاک و خون و خاکستر مبدل ساختند و تنها و تنها در همان کابل در بند، خون بیش از شصت و پنج هزار از هموطنان مظلوم ما را ریختند.

فرد شناخته شده ای بنام "رسول سیاف" که گویا شیخ الحدیث هم است، در آن زمان فتوا صادر کرد که خاک کابل را باید تا عمق بیست متری زیر و رو کرد تا گند رژیم منحل "دیموکراتیک خلق" شسته و رفته شود و چنان کردند.

بلی! در هشتم ثور ۱۳۷۱، یعنی روز شکست کامل دست نشانندگان روسی در اثر مقاومت ملت غیور افغان و فروپاشی کامل "انقلاب برگشت ناپذیر ثور"، در حقیقت روزی را رقم زدند که ننگ تاریخ افغانستان است. در آن روز شوم دست نشانندگان ماسکو با مزدوران و اشنگتن باهم مزاجت نمودند و اسم آنرا گذاشتند "پیروزی انقلاب اسلامی"!

ولی و اما ما مردم شهامت آنرا داریم که اعتراف کنیم هشتم ثور توهین بزرگتری نسبت به هفتم ثور بر مردم و میهن ما بشمار میرود و در افغانستان هرگز هیچ انقلابی به وقوع نه پیوسته است و لذا هیچ انقلاب ای هم به پیروزی نرسیده است و هشتم ثور، سیه تر از هفتم ثور است که نفرین بر بانیان هردو باد! در آن آوان که هفتم ثوری ها دست به دست هشتم ثوری ها دادند، چنان جنایت بزرگی در کشور برباد داده شده ما به راه افتاد که تاریخ مثل و مانند آنرا به یاد ندارد.

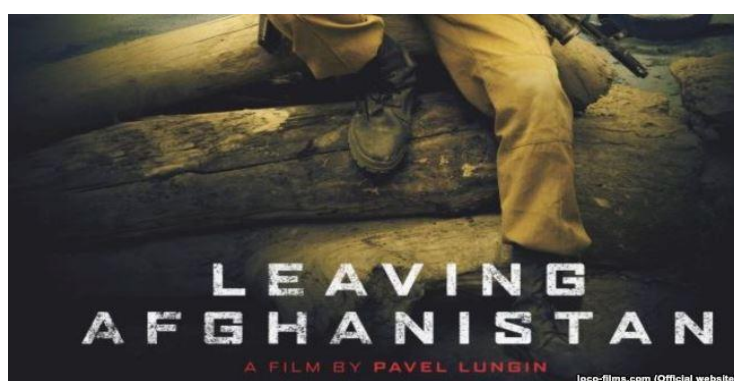
در یکی از آن جنایات بی حد و حصر این بی آرمان تاریخ، مردی را هشتم ثوری ها دست و پا بسته بودند و در کوچه های کابل کشان کشان با خود می بردند و بر سر و صورت او با قنداق های تفنگ می کوبیدند و فحش و دشنام و ناسزا نثار وی می کردند، مرد پیوسته فریاد می زد "از برای خدا با قنداق تفنگ تان به دهنم بزنید".

یکی از آن جنایات پیشگان هشتم ثوری از او پرسید که مگر دیوانه ای؟ چرا باید به دهن بزنیم؟ مرد که دیگر آهی در رمق نداشت، به جواب آن ددمنش هشتم ثوری می گفت که من با همین دهان روزها دعا کردم و دست پیش خدا بالا کردم که خداوندا تو مجاهدین را پیروز گردان، حالا می دانم که چی غلطی را مرتکب شدم، پس به همین دهن بکوبید.

جنرال بوریس گراموف قوماندان سابق قوای شوروی در افغانستان به وزارت فرهنگ روسیه نامه نوشته و این فلم را یک "مثال کلاسیک توهین آمیز ترس از روس ها" خوانده است.

جنرال "گراموف" اگر واقعاً از ترس عساکر روسی در زمان جنگ افغان- روس بی اطلاع است، از روی لطف با عساکر روسی که در جنگ اسیر شدند و یکی دو سرباز اسیر روسی که هنوز هم در افغانستان بود و باش دارند، صحبت کرده و جویای معلومات گردد و شهادت اعتراف پیدا کند و اگر دیده به دانسته خود را به کوچه حسن چپ می زند، حرف دیگر است.

آنگاه که اردوی سرخ روسی در مقابل نیرو های جنگی آلمان نازی می جنگیدند، جنگ آنها مقدس بود و در دفاع از کشور شان می جنگیدند و بسیار هم با شهادت و با جرئت می جنگیدند، اما در جنگ افغان- روس؛ عساکر اردوی سرخ روسی هرگز ندانستند که برای چی و برای کی می جنگند، لذا از صدق دل نمی جنگیدند و فقط از دستور نظامی اطاعت می کردند و این یکی از دلایل ترس و شکست شان بود. آن جنگ عادلانه بود و این جنگ سخت غیر عادلانه، نابرابر و واهی و تحمیلی و کشته شدن در راه هیچ.



این فلم بنام "ترک افغانستان" توسط کارگردان مشهور روسی پاول لونگین تهیه شده است.

گراموف که بعد از سقوط شوروی سابق به صحنه سیاسی داخل شده و از سال ۲۰۰۰ تا سال ۲۰۱۲ والی مسکو بود نوشته است فلم ترک افغانستان عساکر روسی را اوباش، تبهکار، دزد، شیاد، جانی و پست فطرت و نامرد معرفی می کند.

لااقل یکی در تمام رو سیه پیدا شد که اصلیت عساکر متجاوز روسی در افغانستان را روی پرده آورد و پرده از تمام و یا لاقل گوشه ای از رزالت های آنان در افغانستان بردارد.

جناب جنرال "گراموف"، مگر آیا چنین نبود؟!

مگر آیا همین عساکر اردوی سرخ روسی در افغانستان نبودند که سلاح، مهمات و اطلاعات نظامی را در بدل یک مشت پول و یا چرس و چلم معاوضه می کردند؟!

مگر آیا همین عساکر اردوی سرخ روسی نبودند که خود به پا های خود مرمی می زدند تا از جبهه جنگ به شفاخانه ها منتقل گردیده و جان خود را نجات دهند؟! اینها اگر ترس نبود، پس چه بود؟!

اوباشی و تبهکاری مگر شاخ و دم دارد که عساکر روسی برای یک خوشه انگور، تمام باغ را با آتش می کشیدند، جهت تجاوز به یک دختر مظلوم افغان در قریه های دور افتاده، تمام فامیل او را قتل عام می کردند و بعد از اوباشی ها و تبهکاری ها و پست فطرتی ها و جهت سرپوش گذاشتن بر آنهمه جرم و جنایت شان، بر کلبه های آنها تیل پاشیده و بعد بم های دستی را در آن پرتاب می کردند تا آثار جرم و جنایت و پستی و پلشتی و تبهکاری های شان را نابود کنند.

برای به دست آوردن یک گوسفند، تمام رمه چوپان بخت برگشته را گلوله باران می نمودند و چوپان مظلوم را نیز با گلوله سوراخ سوراخ می کردند.

جناب "گراموف"! اگر این سلسله نامردی ها و اوباشی های عساکر روسی در افغانستان را ادامه دهم، سخن به درازا می کشد، اما کمی از بسیار و ذره ای از خروار خدمت عرض شد، در حالیکه یقین کامل دارم شما از همه بهتر از این همه جرم و جنایت و تبهکاری ها و اوباشی های عساکر تان در افغانستان واقف هستید، اما شهادت اعتراف ندارید.

نظر به گزارش ها این فلم تصویری را از سربازان شوروی سابق در جنگ سالهای ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۹ در افغانستان که در آن ۱۴ هزار سرباز شوروی کشته شده و منجر به خروج خفت بار شوروی از افغانستان شد، نشان می دهد که سربازان شوروی در افغانستان دست به غارت می زنند و می نوشی می کنند.

گراموف که یک انجمن ده هزار نفری سابقه داران جنگ را رهبری می کند از وزارت فرهنگ روسیه خواسته است که به این فلم اجازه نشر ندهد.

چه مقامات روسی اجازه نشر بدهند، چه ندهند، مردم افغانستان و سربازان و عساکر روسی که در افغانستان جنگیده اند، خوب می دانند و شما و نیز رئیس جمهور فعلی تان "ولادیمیر پوتین" که در هنگام جنگ افغان - روس، عضو بلند پایه و فعال سازمان جاسوسی روسیه آن زمان (کی جی بی) بود و مسؤلیت بخش افغانستان را به عهده داشت، از همه بهتر می داند که در افغانستان چه می گذشت.

روس ها به یک روایت ۱۴ هزار و به روایت دیگر ۶۰ هزار عساکر خود را در جنگ افغان - روس از دست دادند و هزاران دیگر زخمی و معیوب گردیده و بیشمار عساکر روسی به امراض روانی مبتلا گردیدند، دلیل آن صرف حماقت و سرتمبه گی مقامات کریملین بود که عاقبت به تجزیه اتحاد شوروی انجامید.

رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس سنای پارلمان روسیه ایگور مورازوف که خودش هم از سابقه داران جنگ افغانستان می باشد اظهار داشت تهیه کننده لونگین فلمی مخالف روحیه وطندوستی را ساخته که تمایل جوانان را برای خدمت در اردو کاهش میدهد.

به گفته مورازوف این فلم سربازان شوروی را نشان میدهد که در هر سرک مست می گردند، جنگ می کنند و کاروانها را تاراج می کنند.

مورازوف اظهار می دارد که این فلم خاطرات کشته شده های شوروی را لکه دار ساخته و به آبروی این کشور ضربه می زند.

"ایگور مورازوف" هم از این قافله بی دنباله عقب نمانده است. او که خود از سابقه داران جنگ در افغانستان است، و واضحاً دستان ناپاک و جنایت گسترش به خون هموطنان ما رنگین است و چه بسا که در جنایات شرم آور و ننگین عساکر اردوی سرخ در افغانستان بصورت مستقیم دست داشته است که در قبال آنهمه جرم و جنایت و قساوت به پارلمان روسیه نیز راه یافته است؛ شاکی است که این فلم "مخالف روحیه وطن پرستی" عساکر روسی که در افغانستان جنگیده اند؛ می باشد، اما او نمی تواند بگوید که لشکر کشی به یک کشور مستقل و یک همسایه بی آزار و یک مملکت بی خطر و یک دوست تاریخی، چه ارتباطی می تواند به "روحیه وطن پرستی" داشته باشد؟! "

یک کشور مستقل را بدون هیچ دلیل موجه مورد تاخت و تاز قرار دادن و خاک پاکش را به تویره نمودن و خونهای پاک بیش از یک و نیم میلیون انسان آزاد و بی آزار را ریختن؛ چه ارتباطی می تواند به "روحیه وطن پرستی" داشته باشد؟!

مورازوف اظهار می دارد که این فلم خاطرات کشته شده های شوروی را لکه دار ساخته و به آبروی این کشور ضربه می زند.

خدمت "مورازوف" و مورازوف ها باید عرض کرد که کشته شده های شوروی در جنگ افغان- روس، خود یک لکه ننگ بزرگ بر دامان کریملین نشینان است که برای هیچ جنگیدند و آبروی رو سیه، هم زمانی برباد رفت که اردوی سرخ در افغانستان شکست خورد و کشور شورا ها، پارچه پارچه گردید.

آبروی رو سیه زمانی برباد رفت که "گورباچف" رئیس جمهور وقت رو سیه، جنگ روسها در افغانستان را یک اشتباه تاریخی و یک زخم خونین خواند!

جناب "مورازوف" چه گونه می خواهید با سانسور یک فلم، آبروی برباد رفته عساکر اردوی سرخ تانرا حفظ کنید، آبرو ای که مدت هاست برباد رفته است.



ننگ و نفرین ابدی باد بر جنایتکاران هفتم ثور



hamid_anwari_negahi_bar_haftom_wa_hashtom_saur.pdf